یادداشت

غنی‌سازی یک حق گسترده اقتصادی

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

دروغ بزرگی است اگر بگویند غنی‌سازی فقط به درد ساخت بمب می‌خورد؛ دروغی که سال‌ها با آن به افکار عمومی جهان خوراک داده‌اند تا مسیر پیشرفت یک ملت را ببندند، اما امروز، در جهانی که هر وات انرژی، حکم طلا را دارد، غنی‌سازی یعنی «حق تنفس»، یعنی «اکسیژن توسعه»، یعنی «اقتصاد آینده». اگر نفت روزی قدرت ژئوپلتیک بود، اورانیوم غنی‌شده آینده فناوری و امنیت اقتصادی جهان است، پس اگر ایران می‌گوید: «هیچ سناریویی وجود ندارد که در آن ایران از حق خود برای غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز چشم‌پوشی کند»، نه یک موضع سیاسی بلکه یک خط‌مشی اقتصادی ملی را فریاد می‌زند. در دنیای امروز، بدون انرژی پایدار، توسعه مفهومی ندارد. کشورهایی که دیرتر به منابع انرژی پاک و مطمئن دست پیدا کنند، از رقابت جهانی باز می‌مانند. ایران ما با منابع طبیعی اورانیوم و دانش بومی‌شده غنی‌سازی، این فرصت را دارد که نه‌تنها نیاز خود را تأمین کند، بلکه صادرکننده فناوری و سوخت باشد. هیچ عقل اقتصادی نمی‌پذیرد که چنین دارایی بزرگی، به بهانه توافقی مبهم یا فشاری خارجی بر زمین بماند.

«غنی‌سازی» برای ایران یک انتخاب نیست، یک ضرورت است. نگاهی به مصرف برق ایران بیندازید: رشد سالانه بالای ۷درصد، بحران کم‌آبی و شبکه‌ای که در تابستان‌ها نفس می‌کشد. حالا بدون منابع آبی لازم برای توسعه نیروگاه‌های برقابی و با محدودیت‌های جدی در سوخت فسیلی، چه راهی جز انرژی هسته‌ای داریم؟ نیروگاه‌های هسته‌ای نه‌تنها کم‌مصرف‌ترین گزینه در مصرف آب هستند، بلکه قابلیت تولید برق پایدار در مقیاس بالا را دارند، اما فقط برق نیست. غنی‌سازی پشتوانه توسعه صنایع پزشکی، کشاورزی، غذایی و حتی فضایی هم است. رادیوداروهایی که امروز در درمان سرطان استفاده می‌شوند، به لطف فناوری هسته‌ای تولید می‌شوند. ایزوتوپ‌های پایدار که در صنعت، پزشکی و کشاورزی کاربرد دارند، تنها از طریق فرایندهای پیچیده هسته‌ای به دست می‌آیند. در کشاورزی هسته‌ای، بهبود بذر، کنترل آفات و افزایش بهره‌وری خاک با استفاده از فناوری هسته‌ای انجام می‌شود. این یعنی غنی‌سازی، صرفاً یک فعالیت فنی نیست، یک زنجیره ارزشی برای کل اقتصاد است.

این واقعیت را هم نباید فراموش کرد که انرژی هسته‌ای، برخلاف سوخت‌های فسیلی، آلایندگی کربنی ندارد. در جهانی که مقابله با گرمایش زمین به یک وظیفه همگانی تبدیل شده است و بسیاری از کشورها برای رسیدن به «صفر خالص کربن» برنامه‌ریزی کرده‌اند، انرژی هسته‌ای به عنوان یکی از گزینه‌های مهم برای توسعه اقتصاد سبز مورد توجه است. کشورهایی مانند فرانسه، سوئیس، ژاپن، کره‌جنوبی و حتی امریکا، بخش قابل توجهی از برق خود را از نیروگاه‌های هسته‌ای تأمین می‌کنند و در عین حال، تلاش دارند چرخه سوخت خود را مستقل نگه دارند. چرا؟ چون «استقلال انرژی» یعنی «استقلال سیاسی و اقتصادی»، پس سؤال مهم این است: چرا ایران نباید چنین حقی داشته باشد؟ مگر نه اینکه امنیت انرژی، بخشی از امنیت ملی است؟ مگر نه اینکه کشورهای پیشرفته، فناوری غنی‌سازی را چون گنجینه‌ای استراتژیک حفظ می‌کنند و انتقال آن به سایر کشورها را ممنوع یا محدود کرده‌اند؟ این حساسیت جهانی دقیقاً از آن جهت است که غنی‌سازی، شاه‌کلید قدرت اقتصادی و صنعتی آینده است.

نگاهی به روند تحولات جهانی نشان می‌دهد مسیر انرژی، به‌سوی هسته‌ای شدن بازگشته است. بعد از سال‌ها که برخی دولت‌ها تحت فشار افکار عمومی، پروژه‌های هسته‌ای را متوقف کردند، حالا در سایه بحران انرژی، تحریم گاز روسیه و نیاز به منابع پایدار، شاهد بازگشایی و حتی ساخت نیروگاه‌های جدید هستیم. کشورهایی مانند آلمان و ژاپن که روزگاری برنامه‌های هسته‌ای خود را متوقف کرده بودند، دوباره در حال بازنگری هستند. این بازگشت جهانی، مهر تأییدی است بر آینده‌دار بودن انرژی هسته‌ای. در این میان، ایران با داشتن بیش از ۴هزارو ۳۰۰تن ذخایر اورانیوم طبیعی تضمین‌شده (طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی)، یکی از معدود کشورهایی است که هم منابع اولیه را دارد، هم نیروی انسانی متخصص، هم زیرساخت‌های فنی و هم تجربه عملیاتی در حوزه غنی‌سازی. این ظرفیت‌ها اگر توسعه یابند، می‌توانند کشورمان را به یکی از بازیگران مهم بازار انرژی جهان تبدیل کنند، در بازاری که سوخت هسته‌ای و فناوری‌های آن، به مراتب ارزشمندتر از نفت خواهد بود.

از سوی دیگر، توسعه صنعت هسته‌ای در ایران، پیامی روشن به نسل آینده نیز است؛ کشوری که بتواند زنجیره کامل فناوری هسته‌ای را بومی‌سازی کند، توان ایستادگی در برابر فشارهای بین‌المللی را خواهد داشت. در شرایطی که هر روز بخشی از اقتصاد ایران ما با تحریم یا محدودیت روبه‌رو است، تنها راه برون‌رفت، تکیه بر مزیت‌های راهبردی داخلی است. غنی‌سازی اورانیوم، یکی از برجسته‌ترین این مزیت‌هاست؛ هم به لحاظ فناورانه، هم به لحاظ ژئوپلتیک و هم از منظر اقتصادی. بدیهی است رعایت استانداردهای ایمنی و مدیریت دقیق پسماندهای هسته‌ای از جمله الزاماتی است که در حال انجام است و به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران‌مان کمک می‌کند، اما نکته اساسی این است که داشتن چنین برنامه‌ای، نه‌تنها حق ایران، بلکه وظیفه‌ای تاریخی در برابر نسل‌های آینده است.

مهم‌ترین نکته، آن است که غنی‌سازی، یک مسئله ملی است؛ فراتر از جناح‌بندی‌های سیاسی، فراتر از دولت‌ها و مجالس مختلف. همان‌گونه که دانشمندان شهیدی همچون مجید شهریاری جان خود را برای حفظ این مسیر دادند، ما نیز موظفیم از این دستاورد دفاع کنیم، نه فقط به عنوان «حقوق هسته‌ای»، بلکه به عنوان «حق توسعه» و «حق آینده». اگر امروز برخی در دنیا از واژه «غنی‌سازی» هراس دارند، ما از آن افتخار می‌سازیم، چون برای ما، غنی‌سازی یعنی غنای ملی، یعنی پشتوانه تولید، استقلال انرژی، صادرات فناوری، اشتغال نخبگان و ورود به باشگاه کشورهای آینده‌نگر و این را نباید فراموش کرد که در عصر نبردهای فناورانه، کشورهایی برنده‌اند که زودتر، هوشمندتر و با اراده‌قوی‌تر وارد میدان شوند. ایران، با حق غنی‌سازی، دروازه‌ای به سوی آینده گشوده است؛ آینده‌ای که در آن، انرژی هسته‌ای نه تهدید، بلکه امید خواهد بود، امیدی برای توسعه، امیدی برای رفاه و امیدی برای استقلال.

و حتماً فراموش نکنیم که صنعت هسته‌ای، فقط یک فناوری نیست، یک زنجیره گسترده اقتصادی است که از معدن تا نیروگاه، از آزمایشگاه تا بیمارستان و از دانشگاه تا بازار صادرات را در بر می‌گیرد. صدها شرکت دانش‌بنیان، دهها هزار متخصص و میلیاردها دلار ظرفیت نهفته، در گرو تداوم و توسعه این مسیر است. اگر غنی‌سازی متوقف شود، نه‌تنها برق کم‌می‌آوریم، بلکه اکوسیستم اقتصادی پیرامون آن نیز فرو می‌ریزد. جوان ایرانی، دانش‌آموخته ایرانی و صنعتگر ایرانی، باید بداند که کشورش به او نیاز دارد، نه برای ساخت بمب، بلکه برای ساخت آینده؛ آینده‌ای که در آن، ایران ما صادرکننده فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای به دیگر کشورهای منطقه باشد، آینده‌ای که به جای واردات، با توان داخلی، چرخ توسعه بچرخد. در جهانی که امنیت غذایی، سلامت و انرژی به چالش‌های اصلی تبدیل شده‌اند، داشتن صنعت هسته‌ای بومی و پیشرفته، یک مزیت استراتژیک غیرقابل جایگزین است. ما از این حق کوتاه نمی‌آییم، چون این حق، «حق زندگی با عزت» است، هم برای امروز، هم برای فرزندان‌مان. حق غنی‌سازی، یعنی حق نفس کشیدن در دنیایی که نفس‌ها را به قیمت وابستگی می‌خرند.

گزارش یک

بهناز قاسمی

بازهم ردپای مالیات بر ارزش‌افزوده، این بار در گرانی برنج!

سیاست‌های تنظیم بازار برنج هنوز دم نکشیده است!

دبیر انجمن واردکنندگان برنج: معمولاً کشاورزان بخش زیادی از محصول خود را در ابتدای فصل به فروش می‌رسانند به همین دلیل عمده برنج ایرانی در اختیار واسطه‌گرانی قرار می‌گیرد که غالباً به دنبال سودهای بادآورده هستند

مجتبی عرب‌زاده | باشگاه خبرنگاران

نبود آمار صحیح از میزان تولید و مصرف برنج موجب شد قیمت برنج از نیمه دوم سال گذشته تاکنون ۱۰۰درصد گران شود، البته سوءاستفاده برخی واردکنندگان از واردات بی‌رویه برنج خارجی در سال‌های گذشته موجب شده است نوعی بدبینی نسبت به واردات برنج خارجی در جامعه ایجاد شود. بدیهی است دولت باید از تولید برنج ایرانی و تولیدکنندگان حمایت و قوانینی در راستای حفظ منافع شالیکاران وضع کند، اما در یک دهه اخیر به دلیل افزایش ساخت‌وسازها و تغییر کاربری شالیزارها و تغییرات آب و هوایی و خشکسالی‌ها تولید برنج ایرانی کاهش یافته است، از این رو دولت باید ضمن حفظ منافع این تولیدکنندگان به فکر سفره‌های مردم و شش دهک متوسط و ضعیف جامعه نیز باشد و تدابیر ویژه‌ای در این راستا بیندیشد. در فصل ممنوعیت واردات برنج در سال گذشته، روند افزایشی قیمت‌ها آغاز شد و این روند در زمستان به اوج خود رسید. فروردین ماه امسال نیز قیمت برنج به دو برابر افزایش یافت. در حال حاضر راهکار کنترل قیمت‌ها تعیین تکلیف سریع‌تر نرخ ارز و وضعیت مالیات بر ارزش‌افزوده برنج و همچنین تسریع در تأیید و تخصیص ارز از سوی وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی است.

در ایران سیستمی برای توزیع محصولات کشاورزی و سیستمی برای ثبت آمار دقیق مصرف، تولید و واردات وجود ندارد. هر سالی که واردکنندگان حرف‌شان پیش برود، میزان برنج بیشتری وارد می‌کنند. در واقع هیچ‌گاه شرایط پایداری برای کشاورز وجود نداشته است.

در کشور ما هر زمان که به فراخور بازار یک نوع محصول که قیمت مناسبی دارد و خریدارها (واسطه‌ها و مصرف‌کننده‌ها) تمایل بیشتری برای خرید آن نشان می‌دهند، سال خوبی را برای کشاورز رقم می‌زند و هر زمان که محصولات، خریدار خوبی ندارد، سال ضرر برای کشاورز است. در کشور ما فاصله بین کشاورزان و تولیدکنندگان با بازار مصرف بسیار زیاد است و کشاورزان پشتوانه مالی خوبی برای کشاورزی به شیوه مدرن ندارند، بنابراین مجبورند محصولات کم‌تولیدشده را با قیمت پایینی به واسطه‌گران بفروشند. قیمت را معمولاً دلال‌ها تعیین می‌کنند و همین روند موجب شده است قیمت سر زمین بسیار متفاوت از آن چیزی باشد که به‌دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد.

متأسفانه روش‌های کنونی توزیع بسیار به بخش کشاورزی آسیب رسانده است، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته برای اقتصادی‌بودن کشاورزی، هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهند و تا جای ممکن واسطه‌ها را حذف و دسترسی مستقیم بین فروشنده حتی فروشنده‌های خرد و اتحادیه و انجمن‌های تولیدکننده برقرار می‌کنند. در این کشورها هر منطقه کشاورزی قطب کاشت یک نوع محصول خاص است و در کنار باغ‌ها و زمین‌های مورد نظر بازار بزرگ مستقیم آن محصول خاص را ایجاد می‌کنند، این بازارها فاصله قیمت را بسیار کم می‌کند، بنابراین قیمت مقرون‌به‌صرفه و معقول می‌شود.

بیش از یک دهه است دولت‌ها از سیستم بیمار توزیع محصولات کشاورزی و مواد غذایی سخن می‌گویند، اما هنوز نتوانسته‌اند نسخه درستی برای این بیمار بپیچند. داستان واردات برنج یا ممنوعیت آن، موضوعی است که هر ساله برای اغلب محصولات کشاورزی اتفاق می‌افتد.

تابستان سال گذشته بود که وزارت جهاد کشاورزی از افزایش تولید برنج ایرانی خبر داد و با ترخیص برنج‌های دپوشده در گمرکات تا پیش از تیرماه ۱۴۰۳ مخالفت کرد. در همان زمان در پی نامه‌نگاری معاون بازرگانی وزارت صمت با وزارت جهاد کشاورزی در خصوص ضرورت واردات برنج و تنظیم بازار آن، مجری طرح گندم و برنج وزارت جهاد با تأکید براینکه انبارها مملو از برنج است و نیازی به واردات نداریم، اعلام کرد: «با توجه به پیش‌بینی برداشت ۲/۷میلیون تن برنج، واردات ۴۹۱هزار تن از این محصول در پنج ماهه نخست امسال (۱۴۰۳) و باقی‌مانده انبارهای کارخانه‌های شالی کوبی و کشاورزان از سال گذشته، نیازی به واردات نداریم. شالیکاران برنج ایرانی را کیلویی ۷۵هزار تومان به واسطه می‌فروشند. به جای اصرار بر واردات برنج خارجی، باید زنجیره توزیع را با تقویت تعاونی‌های مصرف و تعاونی روستایی استان‌ها اصلاح کنیم.»

تابستان سال گذشته مجری طرح گندم و برنج وزارت جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با «جوان» با تأکید بر اینکه انبارها پر از برنج است، گفت: با توجه به پیش‌بینی برداشت ۲/۷میلیون تن برنج، واردات ۴۹۱هزار تن از این محصول در پنج ماهه نخست امسال و باقی‌مانده انبارهای کارخانه‌های شالی کوبی و کشاورزان از سال گذشته، نیازی به واردات نداریم. انبار کارخانه‌های شالی کوبی و کشاورزان در سال جاری مملو از برنج بوده و دغدغه کشاورزان در زمینه فروش این محصول است. باقی‌مانده برنج انتقالی در انبار کشاورزان از سال ۱۴۰۲ به سال ۱۴۰۳ دست‌کم ۱۰۰هزار تن است.

سهراب سهرابی نیاز سالانه برنج کشور را با احتساب جمعیت ۸۶میلیون نفری و متوسط سرانه مصرف ۳۵کیلوگرم، حدود ۳میلیون تن برآورد کرد و افزود: بنا به دلایلی همچون همه‌گیری کرونا و تغییر رژیم غذایی روزانه، سرانه مصرف طبق گزارش مرکز آمار ایران و مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصادی، کشاورزی و توسعه روستایی به ۲۷کیلوگرم رسیده است. اگر سرانه مصرف برنج بر اساس گزارش مرکز آمار این عدد باشد، تولید و تأمین ۳میلیون تن برنج، نیاز ۱۱۱میلیون نفر را برآورده می‌کند.

این آمار در حالی اعلام شد که اخیراً دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران آمار دیگری در خصوص مصرف و نیاز سالانه بازار مطرح کرد و گفت: همه نهادها از مرکز آمار تا وزارت جهاد کشاورزی بر سر سرانه مصرف ۳۵ تا ۳۶کیلوگرم برنج در سال اتفاق‌نظر دارند. در حال حاضر با احتساب اتباع خارجی، حداقل ۹۰میلیون نفر در کشور مصرف‌کننده برنج هستند، بنابراین با در نظر گرفتن سرانه مصرف ۳۶کیلوگرم، میزان مصرف سالانه کشور حدود ۳میلیون و ۲۵۰هزار تن برآورد می‌شود. در نتیجه، باید حداقل یک‌میلیون و ۳۰۰ تا یک‌میلیون و ۴۰۰هزار تن برنج وارد شود تا بازار به تعادل برسد و قیمت‌ها به کانال منطقی بازگردند.

یکی از مشکلاتی که در واردات برنج وجوددارد، زمانبرشدن تعیین تکلیف مالیات بر ارزش‌افزوده واردات است. به دلیل ابهامات در این خصوص، شائبه اعمال نرخ ۱۰درصدی این مالیات تقویت شده است، در حالی که طبق روال سال‌های گذشته، این عدد برای کالاهای اساسی از جمله برنج به یک‌درصد کاهش می‌یابد

■ التهابات بازار، مصرف‌کننده را غافلگیر کرد

در ماه‌های اخیر، بازار برنج ایران شاهد نوسانات قیمتی شدید و التهابات بی‌سابقه‌ای بوده است. از افزایش قیمت‌های نجومی گرفته تا کمبود عرضه، این مشکلات ریشه در تصمیم‌گیری‌های نادرست، مشکلات ارزی و موانع وارداتی دارند.

مجیدرضا خاکی، دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران در گفت‌وگو با ایسنا، به تشریح دلایل اصلی وضعیت موجود در بازار پرداخت و راهکارهایی برای کنترل این وضعیت ارائه داد و تأکید کرد که بیش‌برآورد تولید داخلی، ابهامات ارزی و تأخیرهای طولانی در تخصیص و تأمین ارز از جمله مشکلات اصلی این بحران هستند. همچنین خاکی نسبت به پیامدهای ادامه این روند هشدار داد و خواستار چاره‌اندیشی فوری برای حل مشکل برنج‌های دپوشده در گمرکات و شفاف‌سازی سیاست‌های واردات شد.

مجیدرضا خاکی با اشاره به افزایش قیمت‌ها و التهاب بازار برنج توضیح داد: در فصل ممنوعیت واردات برنج در سال گذشته، روند افزایشی قیمت‌ها آغاز شد و این روند در زمستان به اوج خود رسید. در نیمه اسفند، اعضای انجمن وارد عمل شدند و حدود ۷۰هزار تن برنج از محل واردات خود به بازار عرضه کردند که این اقدام تا حدی بازار را آرام کرد اما متأسفانه به دلایلی بازار دوباره دچار التهاب شد و امروز شاهد قیمت‌های غیرمنطقی در بازار برنج هستیم.

■ بیش‌برآورد تولید داخلی و مشکلات ارزی

خاکی توضیح داد: علت اصلی این بحران، بیش‌برآورد حداقل ۷۰۰هزار تنی تولید داخلی بود که بر اساس آن واردات کافی انجام نگرفت و به همین دلیل، تقاضا از عرضه پیشی گرفت و در کنار ورود دلالان و عدم‌انبارش از قبل، باعث بروز نوسانات شدید قیمتی شد.

وی افزود: موضوع دیگری که مشکل‌ساز شده، ابهامات ارزی است. چشم‌انداز نرخ ارز در سال جاری کاملاً نامشخص است و هر روز اخبار غیررسمی و متناقضی در این‌باره منتشر می‌شود، از حذف ارز ترجیحی گرفته تا حفظ آن یا حتی اجرای ترکیبی از ارز ترجیحی و مبادله‌ای که انجمن واردکنندگان برنج ایران به‌عنوان تشکل تخصصی بخش خصوصی، از حذف کامل ارز ترجیحی استقبال می‌کند، زیرا تخصیص و تأمین این نوع ارز به فرایندی فرسایشی تبدیل شده است و به دلیل تخلفات موجود عمدتاً در حلقه‌های پسین واردات و فعالیت دلالان سودجو، برنج به قیمتی که باید به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد.

وی در ادامه گفت: به دلیل تأخیر ۱۰ماهه در پرداخت به فروشندگان خارجی، تأمین کالا به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته و اگر این روند ادامه یابد، جریان تأمین مختل خواهد شد و تأمین‌کنندگان خارجی دیگر تمایلی به فروش کالا به کشور ما نخواهند داشت.

■ مشکلات مالیاتی و روند کند ترخیص برنج‌ها از گمرکات

دبیر انجمن واردکنندگان برنج ادامه داد: یکی دیگر از مشکلاتی که در واردات برنج وجود دارد، زمانبرشدن تعیین تکلیف مالیات بر ارزش‌افزوده واردات است.

خاکی اظهار کرد: به دلیل ابهامات در این خصوص، شائبه اعمال نرخ ۱۰درصدی این مالیات تقویت شده است، در حالی که طبق روال سال‌های گذشته، این عدد برای کالاهای اساسی از جمله برنج به یک‌درصد کاهش می‌یافت تا قیمت تمام‌شده کالا کاهش یابد.

وی همچنین به یکی دیگر از چالش‌های مهم اشاره کرد: رسوب بیش از ۲۰۰هزار تن برنج در گمرکات کشور از جمله چالش‌های مهم در بازار برنج است و با وجود اینکه بازار با کمبود و تقاضای شدید مواجه است، اما به‌دلیل مشکلات ارزی یا انقضای ثبت سفارش‌ها، روند ترخیص این محموله‌ها با کندی مواجه شده است. لازم است هرچه سریع‌تر برای این برنج‌های دپو شده چاره‌اندیشی شود، چراکه تداوم این وضعیت علاوه بر تشدید وضعیت موجود، موجب از بین رفتن بخشی از سرمایه فعالان اقتصادی نیز خواهد شد.

■ «برنج ایرانی» بازار نابسامان و وضعیت نگران‌کننده تولید

خاکی به مشکلات بازار برنج ایرانی اشاره کرد و گفت: معمولاً کشاورزان بخش زیادی از محصول خود را در ابتدای فصل به فروش می‌رسانند، زیرا برای تأمین هزینه‌های معیشتی خود به نقدینگی فوری نیاز دارند و به همین دلیل، عمده برنج ایرانی در اختیار واسطه‌گرانی قرار می‌گیرد که غالباً به دنبال سودهای بادآورده هستند. این افراد با رصد بازار و پیش‌بینی افزایش قیمت‌ها، عرضه برنج را به تأخیر می‌اندازند که باعث تشدید نوسانات قیمتی و بی‌ثباتی در بازار می‌شود.

وی همچنین اظهار کرد: تصمیم اشتباه تعیین سقف قیمت برای برنج کیفی، عامل مهمی در شکل‌گیری بازار سیاه و متأسفانه تشدید اختلاط از سوی سوداگران بازار بود.

به گفته وی، برآوردها نشان می‌دهند میزان تولید برنج در سال زراعی پیش‌رو به مراتب کمتر از ۲میلیون تن خواهد بود، به همین دلیل واردات بر اساس کسری واقعی و به‌طور واقع‌بینانه باید انجام شود.

■ راهکارهایی برای بازگشت آرامش به بازار برنج

خاکی در ادامه به راهکارهایی برای کنترل بازار برنج اشاره کرد و گفت: اولین اقدام ضروری، تعیین تکلیف سریع‌تر نرخ ارز و وضعیت مالیات بر ارزش‌افزوده برنج است، همچنین تسریع در تأیید و تخصیص ارز از سوی وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی و نیز تأمین ارز ضروری است و این فرایند باید سریع‌تر از گذشته انجام شود.

وی ادامه داد: حذف ارز ترجیحی منوط به تسویه مطالبات جاری و معوقات ارزی نیز می‌تواند مؤثر باشد، همچنین حتماً باید از اعمال ممنوعیت فصلی واردات در سال جاری پرهیز کرد، زیرا این ممنوعیت نه‌تنها به کمبود و گرانی منجر می‌شود، بلکه التهاب بازار را به‌ویژه در آستانه ایام اوج مصرف در ماه‌های محرم و صفر افزایش خواهد داد.

خاکی با اشاره به تصمیمات جدید درباره ثبت‌سفارش‌ها گفت: اخیراً از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شد ۲۵۰هزار تن ثبت‌سفارش جدید واردات برنج سفید برای فصل تابستان از دهم خرداد کارسازی می‌شود، اما خبر عجیب، حذف یک نوع برنج هندی پرمصرف از فرایند ثبت‌سفارش آتی بود. حذف به یک‌باره این نوع برنج هندی که به‌تنهایی حدود ۶۰درصد کل برنج وارداتی به کشور را شامل می‌شود، تبعات منفی زیادی از جمله ناترازی بیشتر بازار و زیان سنگین بازرگانان را به همراه خواهد داشت و امید زیادی داریم در این خصوص حتماً تجدیدنظری صورت پذیرد.

یادداشت

معین قرابی تهرانی/ پژوهشگر اقتصادی

«بازمهندسی امنیت غذایی» فرصتی برای اصلاح ساختار ارزی

در دنیای امروز، امنیت غذایی نه‌تنها به‌عنوان یکی از الزامات پایه‌ای اقتصاد تاب‌آور، بلکه به‌عنوان بخشی از مؤلفه‌های راهبردی امنیت ملی کشورها شناخته می‌شود. ایران طی سال‌های اخیر با حجم بالایی از واردات کالاهای اساسی مواجه بوده است؛ وارداتی که نه‌تنها وابسته به منابع ارزی پرریسک و سیستم‌های واسطه‌ای گران‌قیمت است، بلکه در ساختار فعلی خود، به بروز ناترازی‌های مزمن در تراز تجاری، شکل‌گیری رانت‌های ارزی و افزایش شکنندگی در تأمین مواد غذایی منجر شده است.

■ «کاهش وابستگی غذایی» گام نخست در مسیر تاب‌آوری اقتصادی

ایران سالانه حدود ۱۳میلیارد دلار صرف واردات کالاهای اساسی می‌کند که سهم قابل توجهی از منابع ارزی کشور را به خود اختصاص می‌دهد و نقش مهمی در حفظ امنیت غذایی ملی ایفا می‌کند. این وابستگی حدود ۴۰درصدی به واردات در بخش اقلام اساسی غذایی، کشور را در برابر شوک‌های خارجی و نوسانات بازار ارز، به‌ویژه در شرایط تحریم، آسیب‌پذیر می‌سازد. نکته حائز اهمیت آن است که بخش عمده‌ای از مبادی واردات اقلام اساسی (از جمله غلات، دانه‌های روغنی، گوشت و خوراک دام) در کشورهایی واقع شده است که ایران با آنها مناسبات ارزی مستقیم ندارد و همین امر، باعث اتکای غیرمستقیم به نظام‌های واسطه‌ای و ایجاد هزینه‌های اضافی در زنجیره تأمین شده است.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد حدود ۴۰درصد واردات غذایی ایران از کشور برزیل و ۳۰درصد دیگر از روسیه و هند صورت می‌گیرد. با توجه به محدودیت روابط بانکی و ارزی با این کشورها، تجارت از مسیرهای واسطه‌ای همچون ترکیه، امارات و سایر کشورهای همسایه انجام می‌گیرد که نه‌تنها کارمزدهای اضافی به همراه دارد، بلکه به افزایش قیمت تمام‌شده واردات نیز منجر می‌شود. از سوی دیگر، عمده تسویه‌حساب‌ها با ارزهایی نظیر دلار امریکا و درهم امارات انجام می‌شود که ایران را در برابر ساختار مالی جهانی آسیب‌پذیر می‌سازد.

■ «فرصت‌های تهاتر و تجارت مستقیم» عبور از واسطه‌های پرهزینه

در این چارچوب، دوگانگی در نقشه تجاری و ارزی کشور به‌وضوح قابل مشاهده است. ارز حاصل از صادرات عمدتاً از فروش کالاهای پایه (کامودیتی‌ها) به‌دست می‌آید. واردات کالاهای اساسی از کشورهایی انجام می‌شود که ایران با آنها تراز تجاری متعادلی ندارد یا مبادلات ارزی مستقیم ممکن نیست. این واگرایی در تجارت خارجی و حکمرانی ارزی، به ناترازی‌های ساختاری منجر شده که بر توان تأمین امنیت غذایی تأثیر منفی گذاشته است. در مواجهه با این وضعیت، اتخاذ راهبردی واقع‌بینانه و مبتنی بر سیاست‌های ابلاغی حوزه اقتصاد ضرورت می‌یابد. به این منظور باید از ظرفیت کالاهای صنعتی کشور به عنوان اهرم در مبادلات تجاری استفاده شود. به‌عنوان مثال، می‌توان بخشی از واردات غلات را با صادرات کالاهای صنعتی نظیر فرش ماشینی، قطعات صنعتی یا پتروشیمی تهاتر کرد، به‌طوری که ۵درصد از واردات از محل ارز حاصل از صادرات این کالاها انجام پذیرد.

افزون بر این، تحریم‌های اقتصادی از سال ۲۰۱۰ به این‌سو، دو اثر کلیدی بر اقتصاد ایران داشته است: افزایش ریسک روابط بانکی حتی برای مؤسسات غیردر فهرست تحریم. تمرکز تحریم‌ها بر نهادهای کلیدی مانند بانک مرکزی و بخش نفت باعث ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع ارزی شده است. در شرایط غیرتحریمی، امکان مدیریت ناترازی‌های ارزی از طریق توزیع جغرافیایی مبادلات وجود داشت، به‌گونه‌ای که صادرات و واردات از مسیرهای مختلف با هزینه کمتر انجام می‌شد، اما در فضای تحریمی، این قابلیت کاهش یافته و به افزایش هزینه‌های واردات، بروز رانت و افت بهره‌وری منجر شده است. حذف ارز ترجیحی ۴هزارو ۲۰۰تومانی و جایگزینی آن با نرخ حدود نرخ بازار (۲۸هزارو ۵۰۰ تومان)، گرچه در ظاهر اقدامی مثبت تلقی می‌شود، اما به دلیل عدم‌تکمیل سایر الزامات ساختاری، موجب شوک قیمتی، توزیع ناعادلانه یارانه و افزایش تورم در بازار اقلام اساسی شد. شکاف بین ارز ترجیحی و ارز آزاد زمینه‌ساز رانت‌های سنگین و اختلال در سیاستگذاری‌های حمایتی شد.

■ «اصلاح حکمرانی ارزی» کلید حفظ ثبات و مقابله با شوک‌های خارجی

از نگاه امنیت ملی، امنیت غذایی امروز فراتر از یک مسئله اقتصادی، به مؤلفه مهم امنیت ملی تبدیل شده است. اقتصاد و سیاست در عصر پساجنگ سرد درهم‌تنیده‌اند و تفکیک آنها اشتباه راهبردی محسوب می‌شود. کاهش یک‌سوم درآمد سرانه کشور در دهه اخیر و قرار گرفتن ۲۵میلیون نفر زیر خط فقر (بر اساس آمار رسمی) گواهی بر این بحران ساختاری است. طبق بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس، بروز شوک ارزی دیگر می‌تواند ۱۰میلیون نفر دیگر را به زیر خط فقر سوق دهد، بنابراین اقتصاد ایران باید با نگاهی در چارچوب حکمرانی اقتصادی بازطراحی شود. ایران در دوران وابستگی به درآمدهای نفتی، رفتار یک مصرف‌کننده برخوردار را در تأمین غذا از خود نشان داد، بدون آنکه زیرساخت‌های تولید، ذخیره‌سازی یا سرمایه‌گذاری مشترک را توسعه دهد، این در حالی است که کشورهایی نظیر امارات و عربستان با بهره‌گیری از دیپلماسی غذایی و سرمایه‌گذاری فراسرزمینی، توانسته‌اند تاب‌آوری امنیت غذایی خود را افزایش دهند.

■ «از نفت تا دیپلماسی غذایی» مسیرهای نوین برای تأمین پایدار کالاهای اساسی

راه‌حل مؤثر در مواجهه با تحریم، نه مذاکره صرف، بلکه بی‌اثر کردن آن از طریق بازمهندسی حکمرانی ارزی و تجاری است. به‌جای آنکه ارز حاصل از صادرات به کشوری همچون برزیل از مسیر ترکیه عبور کند، باید کشورهایی نظیر چین یا سایر شرکای تجاری مستقیم ایران جایگزین شوند که امکان تهاتر یا استفاده از ارزهای غیردلاری وجود دارد، در نتیجه مهم‌ترین راهکارها برای اصلاح ساختار کنونی عبارتند از:

- توسعه شبکه‌های تهاتر منطقه‌ای و دوجانبه با تمرکز بر کالاهای صنعتی و کشاورزی
- انطباق نقشه تجاری و ارزی
- کاهش نقش کشور واسطه در تسویه‌های ارزی و افزایش تجارت مستقیم با کشورهای هدف
- بازطراحی حکمرانی ارزی و تسویه‌های مالی مستقل از دلار و درهم
- تعریف نقش کلان‌نگر برای شورای عالی امنیت ملی در حوزه امنیت غذایی به‌جای واگذاری آن به وزارتخانه‌های بخشی.

وابستگی بالای ایران به واردات کالاهای اساسی در کنار محدودیت‌های ارزی و تحریم‌های مالی، امنیت غذایی کشور را در معرض مخاطرات جدی قرار داده، با این حال اصلاح مسیر فعلی امکانپذیر است. استفاده از ظرفیت‌های تهاتر کالا، گسترش تجارت مستقیم با شرکای راهبردی و کاهش اتکا به ارزهای واسطه‌ای می‌تواند هزینه‌ها را کاهش و ثبات تأمین را افزایش دهد. برای تحقق این هدف، امنیت غذایی باید به عنوان یک مؤلفه راهبردی در سطح حکمرانی کلان دیده شود، نه صرفاً یک موضوع بخشی. تجربه کشورهای منطقه نشان می‌دهد ابزارهایی چون دیپلماسی غذایی، سرمایه‌گذاری فراسرزمینی و تنوع‌بخشی به منابع وارداتی می‌توانند نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری ایفا کنند. اکنون زمان بازمهندسی سیاست‌های ارزی و تجاری فرا رسیده است تا ایران بتواند از وابستگی عبور کند و به جایگاهی پایدار در زنجیره غذایی منطقه دست یابد.